

هزار طعمه در دام هزار چهره

[سرتین محمدی]



سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

مشتري ها و بوي هشدار دهنده قهوه در هواي كافي شاپ باکنده است. قهوه نرمي قضا را پوشاننده پشت يک سگ نكاري برد جواني نشسته. رويش يک شاخه گل سرخ بر ميز پر زيباني قضا افزوده. مرد هر چند يکبار به پشتش نگاه مي اندازد و گل راه مي رسد. بدون آن که نداند باچه کسی را ملاقات کند. مي زها را يک يک چشم مي گذرد، ناگهان به پسر خوش چهره خيره مي ماند. آسته قدم بر مي دارد و خودش را معرفي مي کند. بله، مهرداد همان فردی است که با آن سال یک پیام کوتاه اشتباهی با او آشنا شده است. ۳ ماه بعد هم از مونا خواستگاری کرده و قول اقامت در امارات را به او می دهد. اما قرارشان بر این می شود که چند ماه از هم دور باشند تا مهرداد کارهای قانونی اقامت مونا را بگیرد کند.

● **طعمه های ششم و هفتم و ...**

مدتی بعد در روزنامه ها می خوانیم مرد هزار چهره برای اظهاراتش از دختران جوان از آنها خواستگاری و طعمه هایش را افعال می کرد.

ارایل شهرویک دختر شانزده ساله به مینا به نام دلسرای او گرفت. جوانی تپان مرچمه و در شکایتی به بازرس اوست. چندین بار از جوان شک پوش و خوش سیمایی به نام آرش از طریق اینترنت آشنا شدم. رابطه اینترنتی من ادامه پیدا کرد تا این که او به من یک رابطه کرد. بعد هم گفت قصد دارد که خواستگاری ما بیاید و پس از آن اموال مرا به کارگاه ببرد تا در آنجا زندگی منتر گمان را شروع کنیم.

من که به شدت به او علاقه مند شدم بومد برای انجام کارهایش مقداری پولی نقد در اختیارش قرار دادم آن پس از مدتی از نوع رفتارش متوجه شدم که قصد فریبم را دارد.

پس از شکایت مینا بازپرس از مأموران آگاهی خواست تا تحقیقاتی را در رابطه با آرش انجام دهند. سرانجام چهره نگاری رایانه ای از آرش که با همکار مینا صورت گرفت قابل کرد که این جوان چند برنده اتهامی می گردید که مربوط به سال های گذشته است و بلا تکلیف مانده است. در پرونده قبلی آرش از سوی دختر جوانی به نام شمنه به آزار و اذیت و کلاهبرداری متهم شده اما شمنه پس از طرح شکایت اولیه از پیگیری پرونده خودداری کرد.

در آنجا که احتمال داشت شمنه نگفته زبانی دربار به تنگاری های این خواستگار قلابی داشته باشد کارآگاهان به بازجویی او را پرداختند. شمنه که همچنان روی موضوع حساسیت نشان می داد به افشای حقیقت پرداخت و گفت من به طور اتفاقی با مرتضی آشنا و به او وابسته شدم مدتی بعد به خواستگاری آمد و خانواده ام این ازدواج موافقت کردند. اما ۶ ماه بعد از نامزدی سر مورد آزار و اذیت قرار داد و سپس شنبه یک درگاه گروم اقدامی بکنم سر خوداخذ کند. در مورد تصمیم شکایت کردم اما بعد از ترس مزاحمت های بعدی از شکایت منصرف شدم.

پیگیری پرونده های بعدی که در موارد مشابه از زنان و دختران تشکیل شده بود نشان داد این قسمه سر طعمه مودم این مرد در مورد شکایت خود گفت: من از آشنایی با آرش از قبول ازدواج و اقامت در آمریکا تا داد، من هم به او اعتماد پیدا کردم و وی بدون اجازه وارد منزل من شد و یکبار یک نفره چک دومیلیون و شیشه های خیس مزرده به نظر می آید. هیچ پناه

توی فضای گرم آستیزخانه وقتی آفتاب از برده می تابد روی شعله گاز زیر کتری روشن است و اقل فل می کند. زن در آن خانه اشرافی گلیم کوچکی را کنار آستیزخانه پهن کرده و همانجا می نشیند و قهوه می خورد. رنگ خانه اش را به یاد می آید از پشتش برده ای توری جوانی را می بیند. او که انتظار دیدن کسی را ندارد، آیفون را بر می دارد. در همسایگی او اثر کتی قرار دارد. پسر جوانی که خود را نادر معرفی می کند می گوید: متأسفانه دفتر تعطیل است و سرپریدم نمی نیامد. اگر اجازه بدهید چند نکه از وسایل شرکت به طور امانت در

رئیس پلیس مبارزه با جرائم خاص و رایانه ای پلیس آگاهی کشور هشدار داد

دیگر این کلاهبرداران جایی جا به دلا است. در مواردی مجرمان در تماس با افراد پولدار ادعا می کنند قصد انتقال مقدار زیادی دلار از عراق یا کشورهای همسایه به ایران را دارند. مجرمان سپس ادعا می کنند دلارها با ورقه های سیاه رنگ پوشیده شده در صورت انداختن آنها در محلول خاصی پوشش از بین می رود. کلاهبرداران در یک مورد حتی طعمه خود را به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس کشانده و به او دلارهای جعلی را نشان داده بودند.

اعضای این شبکه در ادامه پس از جلب اعتماد مورد نظر به پنهان حواله دلارها از او پول گرفته و سپس متواری شدند. سرهنگ امیدبی با اشاره به سومین شیوه کلاهبرداران رایانه ای گفت: در برخی مواقع نیز کلاهبرداران در تماس با افراد به آنها می گویند که وارث یک ارضیه بزرگ شده اند. آنها سپس به طعمه هایشان پیشنهاد شرکت می دهند تا بدین طریق ارضیه را از بانک خارج کنند که متأسفانه تعدادی از هموطنان بدون تحقیق در این باره پول های قابل توجهی به حساب های کلاهبرداران اینترنتی واریز کرده اند.

رئیس پلیس مبارزه با جرائم خاص و رایانه ای پلیس آگاهی خاطر نشان کرد: در حال حاضر چند نکته در این پرونده ها قابل ملاحظه است. افرادی که در زبان خارجی و اینترنت آشنایی دارند بیشتر در معرض این نوع کلاهبرداری ها قرار دارند. این افراد پس از دریافت ایمیل یا افراد آگاه و پلیس مشورت نمی کنند و بلافاصله پس از وقوع کلاهبرداری تازه به یاد مشاوری و پلیس می افتند.

کنه قابل توجه در این نوع کلاهبرداری ها نیز به ناشناسی مجرمان بازمی گردد. به طوری که پلیس تاکنون موفق به سرشناسی هویت کلاهبرداران و دستگیری آنها نشده است. سرشناسی امیدی اظهار داشت: این گروه از تبهکاران معمولاً از مهندسان جلی استفاده می کنند. این موضوع امکان موفقیت پلیس در شناسایی و دستگیری متهمان را ضعیف می کند. حال آن که بررسی های نشان می دهد اکثر این افراد از کشورهای آفریقایی تماس می گیرند. سرشناسی های این شبکه ها رابط های در کشورهای اروپایی و خلیج فارس دارند و با آنها وجود دارد. در این میان ایمیل های پیش از دیگر موارد با خطر جدی حمله مواجهند چرا که در ایمیل خاصیتی وجود دارد که فرد نمی تواند مانع دریافت خیلی از ایمیل ها باشد. بنابراین نیز ارسال مدارک ایمیل هایی برای هموطنان هستیم که در آن

دلا پول یادآورده ناخوسته و از سرسازگی گرفتار دام های کلاهبرداری می شوند. سرهنگ مهرداد امیدی، رئیس پلیس مبارزه با جرائم خاص و رایانه ای پلیس آگاهی در گفت و گو با خبرنگار ما در این باره می گوید: کم از کم هر ۱۰۰ ایرانی ۲۲ نفر به رایانه دسترسی دارند. این در حالی است که شبکه های رایانه ای کشور بیشتر در حال گسترش هستند که هر لحظه امکان سوسانفاده و نفوذ به آنها وجود دارد. در این میان ایمیل های پیش از دیگر موارد با خطر جدی حمله مواجهند چرا که در ایمیل خاصیتی وجود دارد که فرد نمی تواند مانع دریافت خیلی از ایمیل ها باشد. بنابراین نیز ارسال مدارک ایمیل هایی برای هموطنان هستیم که در آن

خانه شما میماند. مدتی بعد با همسایه نمی بیند و قبول می کند. روزهای بعد رفت و آمد ها به پناه های مختلف شروع می شود.

نادر که ظاهر آلودارش را از دست داده حتی ترحم فلور را به خود جلب می کند. ادامه این وضع به علاقه مودم قهر و آزار از نامزدی سر مورد آزار و اذیت قرار داد.

● **پنجمین شکار**

سر طعمه مودم این مرد در مورد شکایت خود گفت: من از آشنایی با آرش از قبول ازدواج و اقامت در آمریکا تا داد، من هم به او اعتماد پیدا کردم و وی بدون اجازه وارد منزل من شد و یکبار یک نفره چک دومیلیون و شیشه های خیس مزرده به نظر می آید. هیچ پناه

توی فضای گرم آستیزخانه وقتی آفتاب از برده می تابد روی شعله گاز زیر کتری روشن است و اقل فل می کند. زن در آن خانه اشرافی گلیم کوچکی را کنار آستیزخانه پهن کرده و همانجا می نشیند و قهوه می خورد. رنگ خانه اش را به یاد می آید از پشتش برده ای توری جوانی را می بیند. او که انتظار دیدن کسی را ندارد، آیفون را بر می دارد. در همسایگی او اثر کتی قرار دارد. پسر جوانی که خود را نادر معرفی می کند می گوید: متأسفانه دفتر تعطیل است و سرپریدم نمی نیامد. اگر اجازه بدهید چند نکه از وسایل شرکت به طور امانت در

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

نشسته است پشت میز رایانه، چند پنجره همزمان روی صفحه باز است. انگشتانش به تندی و نرمی روی صفحه کلید حرکت می کند. پروهایش در هم گره خورده و جابجید در حال چرت کردن است. شکلک های مختلف خط های رنگی در اندازه های مختلف روی صفحه دائم حرکت می کنند که همین موضوع گامی باعث تغییر حالتی در جوهر میا می شوند.

او که ۲۵ سال دارد به چت کردن متاد شده. وقتی پای میز رایانه می نشیند دیگر نمی تواند بلند وقتی او همانجا با چند نفر چت می کند و برایش مهم نیست چه می کند. چون اینجا دنیا جای مجازی است و این امکان وجود دارد که بدون شناخته شدن تمام شناسی های خود را برای انتخاب شدن یا انتخاب کردن امتحان کند.

و بالاخره در این دنیای مجازی چندین فرصت ازدواج پیدا می کند که یکی از آنها آرش است. رابطه مجازی آرش و مینا به چندین نوبت ملاقات در کافی شاپ پارک و سینما به سرانجام هم خواستگاری و قول اقامت و زندگی در کانادا می انجامد.

● **طعمه دوم**

برنده هم توی خیابانهای شهر بر نمی زند و او همین طوری می زند. گاز دهنده دو به سه، ده به چهار، چهار به پنج و ... همه چراغ قرمزها را تا تمام سرعت می کند و ماشین هایی که بر رهاش سبز می شوند را به بوق می بیند و از توی آینه پشت سرش مانند مشکلی رنگی به تعقیبش می پردازد. بالاخره هم چراغ یک چهره آره تا تصادف کوچکی باب صحبت را باز می کند.

پسری که تعقیبش می کند خود را مهندس کامپیوتر معرفی کرده و می گوید والدینش در آمریکا زندگی می کنند از همین جا باب دوستی محس و عرشیا باز می شود و بعد از مدتی هم پسر جوان از سحر خواستگاری می کند. بعد هم قول و قرار زندگی در آمریکا می گذارند.

● **سومین طعمه**

ماه ها است که بر نامه های روزنامه اش یکنواخت شده. هر روز صبح لباس می پوشد و دختر کوچکی را خواب آلود بوی می کند و با اتوبوس راهی مهد کودک و سپس اداره می شود. عصر هم دوباره آن قرصه کوچولو را تانجول می گیرد و راهی خانه می شود. یک سال است متاز که کرده و نهایی و می پولی امشان را بریده است. وقتی با یک چهره کوچک در سرمای زمستان به انتظار اتوبوس ایستاده خود رو لوسی مقابلش توقف می کند. سرمامتق استخوانش را می سوزاند. بدون معللی



چونیدگان کاغذ

گمشده ای در پاییز

[شقایق ارمان]

تو که نیستی، خانه سرد است. نگاه های بی رنگم را با تمام دیوارها قسمت می کنم. سکونی خاموش در هیاهوی انتظار عمیق من، فرزندانم و تمام اعضای خانواده فرود می آید.

پاییز بر زرده های آهنتین پشت پنجره چنگ می اندازد. برگ های قهوه ای روی درخت حیاط، به نبودن اشاره می کنند. وقتی رفتی آفتاب بیست و یکمین روز مرداد سال ۸۶ به آتش می کشید.

یک باره در حیاط خانه را باز کردی و مثل همیشه راه نجاری را در پیش گرفتی.

صدایت کردم، گفتم «آقا، هلی پاکبازی!» امروز زودتر می آید.

از روز نگاه های پسرش شش ماهه مان آرش دنبالن قدم هایت به حرکت در آمد تا نیامدی ...

نفس های گل دوزی گلن شده روی برده اتاق «آرش» از نبودت به شماره افتاده است. برده ها را تا انتها کشیدم. در لحظه های بدون تو پاییز قدم به رویاهایمان می گذارد. وقتی اسباب خانه مان را در چهارراه کارخانه قد - کرج - جدید گفتم اینجا نگاه های پسرمان شریین تر از قند می شود. حالا کود کمسان سر دشت است. دیگر در کلبه رویایی مان بوی گرم غذا نمی پیچد. شامه گلیم های خانه برایش ترازه های جوی روبرو لباست لک زده است.

آرش، من! نوازش های پدانه ات را می خواهم. نبودت در گهواره کودگه اش چرا گفتی نیستی. نگاه تا آرش در جستجوی امنیت دست هایت است علی جان. از روز رفتنت به کسی روی دیوار خیره شدم. وقتی برای پیدا کردن به افراد آگاهی رفتم، همه جا را غایبه روزنامه ایران شگفت و دیگر از همه های تو بودن و کم شدنت هیچ نگفتم. خلاصت از آرش تا تو درازند، به قاصدک خوش خوری فرستادم تا آرش نشانی از تو درازند، به قاصدک خوش خوری بدهند برای پسرمان بیایند. آرش هنوز خوشی از آن است می شود. نبودت حادث. تنها برآی جدا کردنش به انتظار می کشیم. پشت پنجره، پشت به غربت عزیزان، با دست های پر از دعا

دارد به شماره تلفن ۸۸۷۱۶۳ گروه چونیدگان کاغذ روزنامه ایران تماس بگیرد.



محمد مغشور

بی حوصله پشت رایانه می نشینم و آن را روشن می کنی. پس از چندین در چند ساعت تصمیم می گیری ایمیل های خود را بررسی کنی. یک ایمیل نظرت را جلب می کند. ناگهان پس از بررسی و مطالعه دقیق متوجه می شوی در آن ایمیل ادعا شده شما وارث یک ارضیه چند میلیون دلاری شده اید. فردی که ایمیل را برای شما فرستاده خود را معاون حقوقی یک بانک معتبر معرفی کرده و مشخصات کامل شما را نیز دارد.

بعد هم از شما می خواهد یک شماره حساب برایش بفرستید تا پول به حسابتان واریز شود. پس از فرستادن این شماره حساب چند روز با بانک تماس می گیرید اما هیچ پولی به حسابتان واریز نشده است. حدود یک هفته بعد یک ایمیل دیگر دریافت می کنید که در آن از شما تقاضای هزار دلار شده است تا با آن هزینه های خرج کردن پول از بانک و ارسال آن برای شما پرداخت شود.

در ادامه سوسومه می شوید. یک میلیون تومان در برابر دریافت میلیارد تومان پول یادآورده که مبلغی نیست بنابراین هر طو پول دارد و تهیه و به شماره حسابی که اعلام شده واریز می کنید بعد از واریز پول تماس ها یکدفعه قطع می شود بی آن که پولی به حسابتان واریز شده باشد.

در سال های اخیر نامه های مشابه زیادی از طریق پشت های الکترونیکی و اینترنت برای اشتباهی مختلف فرستاده شده است که در آن فرستنده از صاحب ایمیل تقاضا کرده برای دریافت جایزه یا ارضیه چند صد میلیون دلاری، پس از شناسایی حساب بانکی، مبلغی را به عنوان مالیات و هزینه آزاد کردن جایزه به شماره حساب اعلام شده واریز کند. در این میان متأسفانه بسیاری از گیرندگان نامه ها با شوق به دست آوردن چند میلیون

دیگر این کلاهبرداران جایی جا به دلا است. در مواردی مجرمان در تماس با افراد پولدار ادعا می کنند قصد انتقال مقدار زیادی دلار از عراق یا کشورهای همسایه به ایران را دارند. مجرمان سپس ادعا می کنند دلارها با ورقه های سیاه رنگ پوشیده شده در صورت انداختن آنها در محلول خاصی پوشش از بین می رود. کلاهبرداران در یک مورد حتی طعمه خود را به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس کشانده و به او دلارهای جعلی را نشان داده بودند.

اعضای این شبکه در ادامه پس از جلب اعتماد مورد نظر به پنهان حواله دلارها از او پول گرفته و سپس متواری شدند. سرهنگ امیدبی با اشاره به سومین شیوه کلاهبرداران رایانه ای گفت: در برخی مواقع نیز کلاهبرداران در تماس با افراد به آنها می گویند که وارث یک ارضیه بزرگ شده اند. آنها سپس به طعمه هایشان پیشنهاد شرکت می دهند تا بدین طریق ارضیه را از بانک خارج کنند که متأسفانه تعدادی از هموطنان بدون تحقیق در این باره پول های قابل توجهی به حساب های کلاهبرداران اینترنتی واریز کرده اند.

رئیس پلیس مبارزه با جرائم خاص و رایانه ای پلیس آگاهی خاطر نشان کرد: در حال حاضر چند نکته در این پرونده ها قابل ملاحظه است. افرادی که در زبان خارجی و اینترنت آشنایی دارند بیشتر در معرض این نوع کلاهبرداری ها قرار دارند. این افراد پس از دریافت ایمیل یا افراد آگاه و پلیس مشورت نمی کنند و بلافاصله پس از وقوع کلاهبرداری تازه به یاد مشاوری و پلیس می افتند.

کنه قابل توجه در این نوع کلاهبرداری ها نیز به ناشناسی مجرمان بازمی گردد. به طوری که پلیس تاکنون موفق به سرشناسی هویت کلاهبرداران و دستگیری آنها نشده است. سرشناسی امیدی اظهار داشت: این گروه از تبهکاران معمولاً از مهندسان جلی استفاده می کنند. این موضوع امکان موفقیت پلیس در شناسایی و دستگیری متهمان را ضعیف می کند. حال آن که بررسی های نشان می دهد اکثر این افراد از کشورهای آفریقایی تماس می گیرند. سرشناسی های این شبکه ها رابط های در کشورهای اروپایی و خلیج فارس دارند و با آنها وجود دارد. در این میان ایمیل های پیش از دیگر موارد با خطر جدی حمله مواجهند چرا که در ایمیل خاصیتی وجود دارد که فرد نمی تواند مانع دریافت خیلی از ایمیل ها باشد. بنابراین نیز ارسال مدارک ایمیل هایی برای هموطنان هستیم که در آن

افراد به پولدار شدن تحریک می شوند. وی با اشاره به کلاهبرداری هایی که با این شیوه صورت می گیرد، افزود: در بیشتر این ایمیل ها که با عنوان های مختلف ارسال می شود معمولاً به افراد اعلام می شود که در مسابقه ای برنده مبلغ قابل توجهی شده اند. این کلاهبرداران سپس در تماس های مختلف با ارسال مدارکی جعلی طعمه خود را فریب داده و آنها را افعال می کنند. گامی موفق نیز این نوع کلاهبرداری ها از طریق تماس تلفنی با افراد صورت می گیرد.

مجرمان سپس به پنهان های مختلف مبلغی از صاحب ایمیل گرفته و بلافاصله ارتباط خود را قطع می کنند. این مبلغ از هزار تا ۳۰ هزار دلار در نوسان است. به گفته سرهنگ امیدبی شگرد

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.

سوار می شود. لجن‌خانی بعد چون مؤذّب خود را کامیابز معرفی می کند. مسیّر آنها تا خانه شماره طولانی می شود و صبح روز بعد دیگر شماره زحمتی برای رسیدن به اینستاگه و انتظار در صف طولانی اتوبوس ندارد. کامیابز هر روز صبح و عصر او را شایسته می کند. و یک ماه بعد رسماً از شماره خواستگاری کرده و قول اقامت و زندگی در اروپا را به او می دهد.

● چهارمین قربانی

فلور، سال ها است که تنها زندگی می کند. طبق روال هر روز حدود ساعت ۷ در حال سواک زن است.